

موانع مسئولیت کیفری و اثرات بیرونی آن در افعال ارادی اشخاص

محمد حاتمی¹ حسین احمدی² محمد رضا کاظمی گلوردی³ مجید شایگان فرد⁴

¹ دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران tahahatami@gmail.com

² دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول) ahmari.hoseein@yahoo.com

³ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

⁴ استادیار گروه آموزشی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران dr.majidshayganfard@gmail.com

نویسنده مسئول: ahmari.hoseein@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1403/10/19 تاریخ پذیرش: 1404/04/13

چکیده

مسئولیت یکی از مهم‌ترین واژه‌هایی است که در مباحث فقهی و حقوقی مطرح است. از شرایط مسئولیت می‌توان به داشتن شرایط عقل، بلوغ، اختیار و عدم اضطرار اشاره کرد. مسئولیت حقوقی و کیفری اشخاص در قوانین و نظرات فقها مسجل و مورد اتفاق است لکن تحت شرایطی، موانعی در اعمال این مسئولیت برای اشخاص وجود دارد، مواردی از قبیل جنون، حالت مستی، عدم بلوغ، دفاع مشروع، اجبار و اکراه با تمامی اختلافات فقها و حقوقدانان، از جمله موانع مسئولیت کیفری هستند. اختلاف نظرات نیز ناشی از ادله استنادی هر گروه از آن‌ها می‌باشد که به نظر می‌رسد عصاره آن در قانون مجازات اسلامی مصوب 92 پس از نضج و تحولات فراوان تقنینی تبلور یافته است. این مقاله با هدف پاسخگویی به سوال «اثرات بیرونی موانع مسئولیت کیفری در افعال ارادی اشخاص؟» با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی، صورت پذیرفته است. این پژوهش ضمن بررسی موانع مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، به ذکر اثرات بیرونی موانع مسئولیت کیفری در افعال ارادی و غیر ارادی اشخاص می‌پردازد. اهم یافته‌های تحقیق، بیانگر این است که افعال ارادی شخص در زمان بروز مسئولیت، تأثیر دارد یعنی شخص ابتدا سالم بوده و با اراده خود مثلاً به سمت استفاده از مسکرات و مواد روان‌گردان رفته و بخاطر همین مصرف عمدی، مرتکب جرم شده است.

کلیدواژه: مسئولیت کیفری، موانع مسئولیت کیفری، نظریه خطر، نظریه تقصیر، اثرات بیرونی، افعال ارادی.

مقدمه

قانون، انجام عمل مجرمانه را مستحق مجازات دانسته است، اما در برخی از موارد با این که شخص مرتکب جرم شده است دارای مسئولیت کیفری نبوده و قابل مجازات نمی‌باشد. مجازات نکردن مجرم تنها در شرایط به خصوصی که در قانون تحت عنوان موانع مسئولیت کیفری مطرح شده ممکن است، بنابراین موانع مسئولیت کیفری یعنی عاملی وجود دارد که مانع از ایجاد مسئولیت کیفری و مجازات برای مجرم می‌شود، به طوریکه این عوامل تأثیرگذار بر مسئولیت کیفری یکی از مباحثی است که همواره در آثار مؤلفان حقوقی و فقها به آن پرداخته شده و مورد توجه محاکم قضایی نیز بوده است، چرا که اثرات وجود یا عدم وجود هریک از این عوامل، تعیین کننده حکم صادره از سوی دادگاه خواهد. لذا این مقاله در جهت پاسخگویی به سؤال اصلی خود، پس از ذکر پیشینه موضوع، ضمن توضیح نظریه‌های خطر و تقصیر، به بررسی موانع مسئولیت کیفری و اثرات بیرونی آن در افعال ارادی اشخاص طبق دیدگاه‌های مختلف فقهی، حقوقی می‌پردازد.

در ادامه، برخی از تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش، معرفی می‌گردد. با تتبع در کتب و مقالات فقهی و حقوقی در جهت پیشینه پژوهش مورد نظر مشخص گردید در بیشتر منابع تألیفی مصادیق موانع مسئولیت کیفری بیشتر به صورت موردی و پراکنده با عناوین مختلف یا براساس مطالعات تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و پژوهش جامعی با بررسی تمامی مصادیق مشاهده نشد، از این رو وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به آثار مذکور از آن جهت است که در این پژوهش به موانع مسئولیت کیفری در افعال ارادی اشخاص می‌پردازد.

1- غلامی (1393) در نتایج پژوهش خود با عنوان «مانع یا رافع بودن صغر، جنون، و عوامل مشابه آن نسبت به مسئولیت کیفری» بیان می‌کند که عناصر چهارگانه عقل، بلوغ، قصد و اختیار ارکان اهلیت جزایی و شرایط لازم و نه کافی برای تحقق مسئولیت کیفری است و لذا اطلاق عنوان مسئول

کیفری به مجنون، صغیر، مکره، مجبور، مضطر و مشتبّه، مست، خواب و بیهوشی تعبیر درستی نیست و باید این عوامل را به عنوان مانع و نه رافع مسئولیت کیفری مورد توجه قرار داد.

2- نتایج پژوهش خدادادی و خالدی (1400) در مقاله «بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب 92» نشان می‌دهد که پیش از این مسئولیت کیفری مبتنی بر تقصیر صرفاً به عنوان استثناء پذیرفته می‌شد اما از این پس عنصر تقصیر در کنار عمدی بودن به صورت موازی - نه استثناء - به عنوان ارکان مسئولیت کیفری در نظم حقوق کیفری نوین شناخته می‌شود.

3- پژوهش خاکی و مهرا (1400) در «ماهیت و آثار قضایی موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس» حاکی است که عدم توجه به ماهیت هر کدام از موانع مسئولیت کیفری موجب برهم خوردن معیارها و در نتیجه تفاوت در آثار قضایی آن خواهد بود و تغییر مواضع از سوی قانونگذار موجب سردرگمی مجریان قانون در رسیدن به اهداف حقوق کیفری می‌گردد.

4- غیاثوند و جلالوند (1402) در پژوهش «آثار ایراد خلل به مؤلفه‌های اراده در حوزه موانع تحقق مسئولیت کیفری با تأکید بر جرم جنون» بیان داشتند که موانع تحقق مسئولیت گاه به طور کامل مسئولیت کیفری را از بین می‌برند و گاه به طور نسبی زوال مسئولیت را در پی دارند؛ از این حیث، از علل تام مانع مسئولیت کیفری می‌توان به جنون و صغر سن که به طور کامل مانع تحقق مسئولیتند و مستی ارادی که از علل نسبی مانع مسئولیت کیفری نام برد. و دیگر اینکه توجه به امکان اختلال روانی مجرم، می‌تواند بر فرایند معمول دادرسی از جهات مختلف تأثیر بگذارد، به عبارتی، وضعیت روانی یک فرد می‌تواند در مرحله تعقیب، توقیف، تحقیق، رسیدگی قضایی، محکومیت و اجرای مجازات یا حتی عدم اجرای آن تأثیرگذار باشد.

5- حاجی ده‌آبادی و دیگران (1403) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری از منظر بایسته‌های نظم ساختاری، جامعیت و سودمندی» به ارزیابی عوامل رافع مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی 1392 پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر آنست که عملکرد مقنن از جهت «نامگذاری»، «تقسیم‌بندی» و «ارجاع‌دهی» از جهت نظم ساختاری قانون، «تکرار حکم جنایت در حالت مستی»، «تکرار سن بلوغ» و «اعمال مجازات بر جرم جنون» با توجه به بایسته سودمندی و «عدم تقسیم‌بندی جنون» براساس بایسته جامعیت قابل نقد می‌باشد.

1- مسئولیت کیفری و شرایط تحقق آن

گرچه از نظر کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند و موضوعاتی از قبیل شخصی بودن مجازات، تقصیر و... مهتبا باشد ولی به صرف ارتکاب جرم، نمی‌توان بار مسئولیت را یکباره بر دوش مشتکی‌عنه یا متهم گذاشت. از نظر جزایی، باید بتوان شخص را سزاوار تحمل این بار سنگین دانسته، تقصیری را که مرتکب شده است، نخست به حساب او گذاشت و سپس او را مؤاخذه کرد. توانایی پذیرفتن بار تقصیر را در اصطلاح حقوق دانان، قابلیت انتساب می‌نامند از طرفی مسئولیت کیفری یعنی قابلیت انتساب فعل یا ترک فعل قابل مجازات به کسانی که توان تحمل مجازات را داشته باشند، بنابراین اگر مجرم، مختار نباشد مسئول اعمال خود نیست (اردبیلی، 1385: ج2 ص4).

برای تحقق مسئولیت کیفری نخست باید رفتار مجرمانه‌ای که از میل و اراده آگاهانه متهم نشأت گرفته واقع شود و عمل مزبور همراه اندیشه، قصد و میل وی و حاکی از سوء نیت او یا ناشی از خطای کیفری وی باشد. همچنین میان جرم و فاعل آن در جرایم مطلق و عمل فاعل و نتیجه مجرمانه در جرایم مقید، قابلیت انتساب مادی و معنوی برقرار شود (عباسی، 1397: ص500).

از آنجا که مسئولیت کیفری با شخص مجرم مرتبط بوده و با وقوع جرم تحقق می‌یابد. سزاواری متهم به تحمل مجازات منوط به شناسایی تقصیر وی در برقراری مسئولیت کیفری و تحمیل بار تقصیر در قالب تحقق قابلیت انتساب عمل به اوست. در نتیجه مسئولیت جزائی پس از احراز مجرمیت متهم و قابلیت انتساب عمل به وی تحقق می‌یابد (همو، 501). به عبارت دیگر وجود گزاره جرم انگار، ارتکاب رفتار مجرمانه و احراز سوء نیت شروط تحقق مسئولیت کیفری است.

ماده 140 قانون مجازات اسلامی 92 در تبیین شرایط تحقق مسئولیت کیفری بیان می‌دارد: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد.»

در این ماده عقل، بلوغ و اختیار به عنوان شرایط محقق مسئولیت کیفری بیان شده است اما اشاره‌ای به قصد نشده است این در حالی است که فقها شرایط عامه تکلیف را عبارت از بلوغ، عقل، اختیار و قصد می‌دانند. به موجب ماده 144 قانون جدید در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه با علم به وقوع آن نیز، می‌توان پذیرفت که در جهت تحقق جرم عمدی افزون بر بلوغ، عقل و اختیار که از شرایط مسئولیت کیفری است دو جزء دیگر که از اجزای عنصر روانی است، شامل علم به موضوع و قصد ارتکاب رفتار مجرمانه نیز لازم است (نبی پور، 1389: 173).

2- موانع مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392

موانع مسئولیت کیفری، عواملی است که باعث زوال کیفر می‌شود. در واقع شخص با این‌که مرتکب جرم شده است اما مانعی برای مجازات وی وجود دارد و مجازات مرتکب به دلایل قانونی فایده‌ای نخواهد داشت. مصادیق موانع یا عوامل مسئولیت کیفری در مواد ۱۴۶ تا ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 تصریح شده که عبارتند از: عدم بلوغ، جنون، اکراه، اضطرار، خواب، بیهوشی و مانند آن، مستی، جهل به حکم، دفاع مشروع، ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون، اجرای قانون اهم، امر آمر قانونی، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین به منظور تأدیب آن‌ها، حوادث ناشی از عملیات ورزشی، عمل جراحی یا طبی مشروع.

3. مبانی نظری مسئولیت

3-1- نظریه تقصیر

براساس نظریه تقصیر، مسئولیت مدنی صرفاً در صورتی قابل طرح و منتسب است که وارد کننده خسارت در انجام عمل خسارت‌بار و زیان‌آور مرتکب تقصیری شده باشد. ملاک در این مسئولیت سنجش اخلاقی رفتار مباشر خسارت است که اگر از نظر اجتماع، انحراف و تجاوز از رفتاری باشد که برای حفظ حقوق دیگران لازم است، وی ملزم به ترمیم خسارت است و اگر از نظر اخلاقی رفتار وی عاری از سرزنش باشد، ضمانی به عهده او نیست. طبق نظریه تقصیر تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر وارده است. تئوری تقصیر، خود بر مبنای دیگری استوار است؛ و آن اینست که اندیشه جبران خسارت از آرمان‌های کهن اخلاقی و انسانیت است. اخلاق به انسان می‌آموزد که خسارت ناشی از گناه باید جبران شود و توبه زمانی انسان خاطی را آسوده خاطر می‌کند که زیان‌های ناشی از کار خود را جبران کند (کاتوزیان، 1375: ص 405).

3-2- نظریه خطر

توضیح این قسمت، مصداق ماده 152 از قانون مجازات اسلامی است:

ماده ۱۵۲- هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریبالوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

برخی از پژوهشگران، شرایط مقرر در این ماده را در کنار شرایط اضطرار عنوان کردند و معتقدند: مضطر در صورتی از مسئولیت معاف است که خطری که او را در حالت اضطرار قرار داده است عمداً به وسیله خودش ایجاد نشده باشد و گرنه نمی‌تواند به حالت اضطرار استناد کند، لذا اگر کسی با ظرفی از مشروبات الکلی به بیابانی بی‌آب و علف برود تا بر اثر تشنگی در حالت اضطرار قرار گیرد و مجبور به شرب مشروبات الکلی شود، نمی‌تواند به حالت اضطرار استناد کند (فتحی، 1396: ج 1 ص 82).

در این خصوص، مسأله به صورت یک نظریه تحت عنوان نظریه خطر مورد بحث قرار گرفته است. اعمال این نظریه سبب می‌شود که بسیاری از زیان‌هایی که زائیده تمدن جدید و توسعه زندگی ماشینی بوده و منشأ آن‌ها ناشناخته است، بدون جبران بماند. وانگهی زیان دیدگان حوادث جدید، مانند کارگران کارخانجات و عابرین پیاده که در اثر حوادث رانندگی مصدوم می‌شوند، اغلب اوقات متعلق به طبقات اجتماعی پایین بوده و از لحاظ اقتصادی در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند، حال آنکه صاحبان کارخانه‌ها و وسایل صنعتی خطر آفرین، با امکانات اقتصادی که در اختیار دارند و با استفاده از خدمات و کلا و مشاورین حقوقی، در صورت اقامه دعوی از جانب زیان دیده، به راحتی با اثبات عدم تقصیر، خود را از مسئولیت مبرا نموده و زیان وارده به زیان دیده تحمیل می‌شود. لذا باید تمهیدی اندیشید که استفاده‌کننده از ماشین حتی اگر مرتکب تقصیر هم نشده باشد، ملزم به جبران زیان وارده باشد.

در نظریه خطر مسئولیت بدون تقصیر، هر کس عامل خطر را در اختیار دارد و از آن سود می‌برد، باید خسارات وارده از کاربرد آن وسایل را نیز جبران کند. هواداران این نظریه معتقدند که فی المثل هر کس اتومبیل را خریداری می‌نماید، باید از عهده خسارت ناشی از آن برآید، هرچند تقصیری هم مرتکب نشده باشد. به عبارت دیگر، مطابق این نظریه، صرف انتساب عمل به فاعل و تلف به تالف برای تحقق مسئولیت کافی است (موسوی بجنوردی، 1401ق: ج 1 ص 201).

در نحوه کاربرد این نظریه نتایجی به شرح ذیل عنوان شده است: اولاً، زیان دیده از اثبات تقصیر عامل زیان معاف است. ثانیاً، عامل حادثه منجر به خسارت، حتی اگر اثبات کند که زیان وارده در اثر تقصیر او به وجود نیامده، باز مسئول جبران خسارت خواهد بود. ثالثاً، زیان دیده باید ورود ضرر و وجود رابطه سببیت بین عمل فاعل و خسارات را اثبات کند. رابعاً، عامل حادثه فقط در صورتی که اثبات کند، حادثه در اثر قوه قهریه و عامل خارجی رخ داده از مسئولیت معاف خواهد شد (همو: ص 202).

بنابراین به نظر می‌رسد نظریه خطر نزد دادرسان کنونی زیاد مورد توجه قرار نگرفته است، زیرا معمولاً در مورد کارگرانی که در خطرات شدید هستند حکم دادگاه فرقی نمی‌گذارد و توجهی به صاحبان کار نمی‌کند. ولی چنانچه تقصیر متوجه صاحب کار باشد، برابر نظریه خطر کارگر باید تبرئه شود

البته اگر مقصر نباشد. که در تفسیر میزان تقصیر گفته شده، فاعل زیان نیز بر اساس نظریه تقصیر در موارد زیر از مسئولیت مبرا خواهد بود: اولاً، اگر در اثر اجرای حق قانونی خود سبب خسارت شده باشد. ثانیاً، چنانچه خسارت در اثر فورس‌ماژور یا قوه جبریه (علت خارجی) ایجاد شده باشد. ثالثاً، در فرضی که خود زیان‌دیده باعث ورود خسارت شده باشد (بجنوردی، 1419ق: ص 200).

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شده، می‌توان نتیجه گرفت که در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، عملکرد اشخاص را با رفتار عادی و متعارف و عمل اشخاص محتاط مقایسه نموده و اگر خواننده دعوی، احتیاط لازم را مراعات نموده باشد و مرتکب تقصیر نشده باشد، مسئول جبران خسارت نخواهد بود.

4- توبه و ارتباط آن با مسئولیت کیفری

توبه در لغت به معنای بازگشت از گناه (ابن منظور، 1416: ج 1 ص 233) و همچنین به معنی ترک و بازگشت از گناه به بهترین وجه می‌باشد (راغب اصفهانی، 1412: ص 69).

قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 در مواد 114 تا 119 و 219، 254 و 284 و...، توبه را مطرح نموده است. طبق ماده 114 قانون مجازات اسلامی: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد». ماده 115 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. مطابق ماده 116 قانون مجازات اسلامی، دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد. در ماده 13 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 آمده است: تعقیب امری کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در مواردی از جمله توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون، اما در ماده 114 قانون مجازات برای توبه حدودی فراتر از موارد ذکر شده را مطرح نموده است و توبه را برای مجرم گسترش داده‌اند، در این ماده آمده است: «هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه نماید» حد را ساقط می‌داند و از شهادت سخنی به میان نیامده است.

قانون مجازات اسلامی برخلاف قانون مجازات سابق (مصوب 1370) در صورتی که مرتکب جرم لواط این جرم را به اکراه، عنف و یا اغفال شخصی انجام داده باشد را برای مرتکب هرچند توبه نماید حبس یا شلاق تعزیری را در نظر گرفته است، با بررسی قانون مجازات سابق، این مورد در این قانون وجود نداشته است که این خود نشان‌دهنده حق الناسی بودن این مجازات در شرایط مذکور است.

شباهت موجود در دو قانون سابق و جدید در ماده‌های 182، 133 و 126 از جمله: «قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید» مشابه موارد موجود در ماده 114 قانون مجازات اسلامی می‌باشد که بیان داشته است «اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».

در روایت جمیل از امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) چنین آمده است: «در موردی مردی که سرقت کرده یا شراب نوشیده یا زنا کرده است و کسی هم بر او آگاهی نیافته و دستگیر هم نشده است، چنین شخصی توبه کرده و اصلاح شده است، پس امام در پاسخ گفتند: هر گاه اصلاح شود و از وی امر زیبا دیده شود، بر او حد اقامه نمی‌شود» (حرعاملی، 1414ق: ج 28 ص 37).

علامه حلی معتقد است: «اگر مجرم، قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می‌گردد و همین گونه است، اگر ادعا کند قبل از شهادت، توبه کرده است» (علامه حلی، بی‌تا: ج 3 ص 526).

شهیدثانی بیان می‌دارد: «اگر قبل از اقامه بینه توبه کند حد ساقط می‌شود حال حد رجم یا جلد باشد» (شهیدثانی، بی‌تا: ج 9 ص 154) و طبق نظر آیت‌الله خویی: «اگر مشهود علیه قبل از قیام بینه توبه کند طبق قول مشهور، سقوط حد از اوست» (خویی، 1412ق: ج 1 ص 285).

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «یسقط الحد لو تاب قبل قیام البینه رجماً کان أو جلداً لا یسقط لو تاب بعده و لیس للإمام علیه السلام أن یعفو بعد قیام البینه و له العفو بعد الإقرار كما مر و لو تاب قبل الإقرار سقط الحد: اگر قبل از قیام بینه توبه نماید حد رجم باشد یا جلد ساقط می‌شود؛ و اگر بعد از آن توبه کند ساقط نمی‌شود؛ و امام (ع) حق عفو او را بعد از قیام بینه ندارد ولی حق عفو بعد از اقرار را دارد که اینک گذشت و اگر قبل از اقرار، توبه نماید حد ساقط است» (خمینی، 1366: ج 2 ص 462).

در مکتب حقوقی اسلام، دو موضوع اجرای مجازات و عدم اصرار بر اثبات جرم از یکدیگر تفکیک شده است. تا زمانی که جرم کسی ثابت نشده، اصل بر برائت افراد است و طبق اصل 37 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح، ثابت گردد»، لذا توبه برابر قانون و شرع اسلام یکی از موارد رافع مسئولیت محسوب می‌شود.

5- اثرات افعال شخص در بروز مسئولیت

برخی از افعال شخص با اراده خود اوست و حتی از اثرات این فعل در تحقق جرم نیز فاعل خبر دارد. مثل استفاده از مسکرات و تأثیرات آتی آن. برخی ناشی از افعال غیر ارادی اوست مثل خوابیدن منجر به جرم، یا جهل به جرم بودن فعل انجام شده... که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌دهیم.

5-1- افعال ارادی

برخی از افعال هستند که با اراده انسان محقق شده و در رفع مسئولیت بسیار اثربخش هستند، از جمله خوردن مسکرات و غیره.

1-1-5- خوردن مسکرات

مسکر را بعضی اندیشمندان اسلامی چیزی می‌دانند که باعث اختلال کلام منظم و افشاء سر می‌گردد و به عبارتی چیزی که موجب اختلال در ادراک و عقل می‌شود (حسینی، 1394: ص 33) و خمر نام هر مایعی است که برای مست کردن ساخته شده است و اصل معنای آن پوشاندن و مستور کردن است (راغب اصفهانی، 1412ق: ص 159).

در اصطلاح فقه، مشروب یا شراب یا خمر یا عرق، به مایعاتی گفته می‌شود که به واسطه فرایند شیمیایی خاصی که در نحوه تهیه آن‌ها رخ می‌دهد نوعی حالت مست‌کنندگی برای فردی که آن را بنوشد ایجاد می‌کنند و چون این خاصیت به شکل طبیعی به الکل موجود در این مایعات برمی‌گردد، این مایعات مشروبات الکلی یا به اختصار مشروب نامیده می‌شوند (خمینی، بی‌تا: ج 2 ص 162).

علمای اسلامی شراب را حرام می‌دانند، هر چیز مستی آور در صورتی موجب حد است که اولاً مستی آورد، هر چند که مقدار کمی خورده باشد، ثانیاً قصد و اراده (جزایی) وجود داشته باشد. مجازات شرب خمر 80 تازیانه است (حرعاملی، 1414ق: ج 9 ص 114).

امروزه ثابت شده است که مصرف مشروبات الکلی سکرآور علاوه بر بیماری‌های متعدد، عوارض اجتماعی و امنیتی زیادی نیز به ویژه در میان نسل جوان به دنبال دارد که باعث نگرانی مسئولان و خانواده‌ها شده است. چرا که مواد مسکر از هر جنسی که باشند به علت مضرات عقلی و فکری که دارند و حتی جسمی، آثار بدی دارند. به دلیل همین عوارض اسلام با نوشیدن هر نوع مشروبات الکلی، خرید و فروش و هر نوع بهره‌برداری از آن‌ها به شدت برخورد کرده است.

مصادیق دیگری در مسکرات هست از قبیل آب جو و فقاق، که امام خمینی (ره) می‌گوید: آب جو از زمان قدیم تا حال یکی از معروف‌ترین انواع شراب‌ها به حساب می‌آید که یقیناً مست‌کننده، نجس و حرام است، اما قسم دیگر آب جو مایعی است که با فرایند شیمیایی مشخص از جو به دست می‌آید و فرمول تهیه آن با آب جو نوع اول کاملاً متفاوت است. فقاق شرابی مخصوص است که از شعیر گرفته می‌شود و در بعضی از روایات بیان شده است که فقاق خمر مجهولی است یا فقاق خمری است که مردم آن را کوچک شمرده‌اند، حد فقاق حد شراب خمر است و فقاق خمری است که مردم آن را کوچک شمرده‌اند (خمینی، 1366: ج 2 ص 162).

فقها در خصوص این که فقاق تنها از جو استحصال می‌شود یا خیر اختلاف کردند؛ عده‌ای همچون سید یزدی فقاق را تنها گرفته شده از جو می‌دانند (نجفی، 1367: ج 1 ص 145) و عده‌ای دیگر چون شهید ثانی بر این که فقاق از غیر جو نیز حاصل می‌شود تصریح دارند (شهیدثانی، بی‌تا: ج 7 ص 122).

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در ماده ۳۷ در مورد چگونگی احراز مستی بر اثر استفاده از مسکرات اشعار داشته: مستی بر اثر استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر یا نظایر آن‌ها به طور کلی رافع مسئولیت جزایی نیست و اگر ثابت شود استعمال مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم بوده، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد. اما اگر استعمال مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم نبوده و موجب اختلال تام یا نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده مرتکب در حین ارتکاب جرم شده باشد دادگاه حسب مورد و اقتضای اوضاع و احوال می‌تواند مجازات را در مورد اختلال نسبی یک درجه تخفیف دهد بدون اینکه از حداقل مجازات جنحه‌ای کمتر باشد مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب 1392: مستی و بیارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوبالاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

افعال ارادی شخص در حقیقت در زمان بروز مسئولیت تأثیر دارد یعنی شخص ابتدا سالم بوده و با اراده خود به سمت استفاده از مسکرات و مواد روان گردان رفته و بخاطر همین مصرف عمدی، مرتکب جرم شده است. همچنانکه در تقسیم مواد سکرآور گفته‌اند: مواد سکرآور بر دو قسم‌اند: قسم اول مایع‌اند، مانند شراب، قسم دوم مواد سکرآور جامد می‌باشند، مانند افیون و حشیش، که قسم اول ناپاک و قسم دوم پاک می‌باشند (مغنیه، 1421ق: ج 1 ص 29).

پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: «اگر همه گناهان را در خانه‌ای جمع کنند، کلید آن شراب است» (حرعاملی، 1414ق: ج 17 ص 271). امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند شراب و میگساری را برای سلامت عقل حرام کرده است» (نهج البلاغه، حکمت 252). امام صادق (ع) نیز فرمود: «اگر کسی دخترش را به شراب‌خوار بدهد مانند این است که او را در آتش انداخته است» (حرعاملی، 1414ق: ج 17 ص 249).

ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حدّ شرب مسکر برای مرد یا زن هشتاد تازپانه است.

در فقه امامیه، هر چیزی که مصرف آن، عقل انسان را زایل کند یا باعث اختلال در عقل انسان شود، مانند موادّ روان گردان و مخدر، در حکم خمر و مسکر هستند هر چند در آن‌ها حدّ وجود ندارد، ولی طبق صلاحدید حاکم شرع، افرادی که این مواد را مصرف می‌کنند تعزیر می‌شوند (عظیمی، ۱۳۹۲: ص ۸) زیرا در روایات مصرف موادی که عقل را از بین می‌برد اعم از موقت یا دائم، از قبیل مصرف شراب و... شدیداً منع شده است.

در خصوص تفاوت بین انواع مواد مسکر می‌توان به کلام امام خمینی (ره) استناد کرد که فرموده^۱ اند: «فرقی میان انواع مسکرات نیست مانند اینکه از انگور خمر گرفته شود یا از خرما، شراب از خرما، یا از کشمش مویز، شراب مویز یا از عسل، شراب عسل یا از جو شراب جو یا گندم یا ذرت و غیره فقّاع به مسکر ملحق می‌شود اگر چه فرض شود که مسکر نیست در نوشیدن فقّاع حدّ می‌باشد» (خمینی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۲۱۵، مسئله ۲).

برخلاف نظریه فوق در خصوص حکم انواع مستی تفاوت‌هایی به شرح زیر بیان شده است: «بر موادّ سکرآور حد لازم می‌آید، در حالی که موادّ خواب‌آور و فسادآور حد ندارند؛ مواد سکرآور نجس هستند، اما موادّ خواب‌آور و فسادآور نجس نمی‌باشند؛ مصرف مقدار اندک موادّ سکرآور حرام می‌باشد، در حالی که مصرف اندک سایرین جایز می‌باشد» (قرافی، بی‌تا: ج ۱ ص ۲۱۷).

از نظر فقهای امامیه، تناول کردن انواع مسکرات- به مقدار کم یا زیاد- حرام و موجب ثبوت حدّ است؛ هرچند مقداری بنوشد که مست نشود، لیکن نوشیدن آن هنگام اضطراب جایز است. مداوا کردن با مسکرات حتّی در صورت انحصار مداوا به آن بنابر قول منسوب به مشهور جایز نیست (هاشمی‌شاهرودی، بی‌تا: ج ۳ ص ۴۹۳).

موضوع مستی علی‌الاصول رافع مسئولیت کیفری نیست مگر اینکه: اولاً: مرتکب در حال ارتکاب جرم مست (تعمّدی) باشد؛ ثانیاً: شرب مسکر با علم به سکر آور بودن و مخدر بودن آن صورت نگرفته باشد؛ ثالثاً: درجه مستی به اندازه‌ای باشد که به کلی از مرتکب سلب اختیار و اراده نموده باشد (محمدی خراسانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۳).

برخی دیگر موضوع مبری بودن مست از مسئولیت را چنین عنوان کردند: چون ملاک اعمال مجازات وجود اختیار اراده نزد عامل جرم است، نمی‌توان مجرم را که به واسطه استعمال مسکر با توجه به شرایط مذکور که بواسطه‌اش مسلوب‌الاراده و مسلوب‌الاختیار گردیده، مجازات نمود (حجتی، ۱۳۸۴: ص ۲۵۳).

امام خمینی (ره) در خصوص استثناء در اعمال حدّ مسکرات می‌فرماید: «اگر آشامیدن مسکر جهت حفظ نفس از هلاک یا از مرض شدید اضطراب پدیدآید و بیاشامد حد بر او نیست» (خمینی، ۱۳۶۶: ج ۴ ص ۲۱۵، مسأله ۲).

بنابراین مواردی که برابر دیدگاه لغت‌شناسان، فقها، حقوق‌دانان و نویسندگان در مطالب مذکور عنوان کردیم همگی دلالت بر این دارد که مواد مسکر برای روح و روان و جسم و عقل انسان ضرر دارد، بنابراین در قانون هرگاه مورد استفاده قرار گیرد، به لحاظ استفاده خود مسکر جرم دارد. ولی به لحاظ فعل جدیدی که در حال مستی انجام شده، بستگی به میزان تأثیر مسکرات بر اراده شخص داشت که در مراجع قضایی براساس نظر کارشناس و قانون مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱-۲- مواد مخدر و روان گردان

تعریف کاملی برای موادّ روان گردان و مخدر که جامع و مانع باشد، نمی‌توان یافت ولی برخی در تعریف آن گفته‌اند: «مخدر به معنی سست کننده اعصاب است و فقط شامل یک دسته از مواد می‌شود و روان‌گردان که از مفهوم وسیع‌تری برخوردار است، جسم را از نظر لغوی در بر نمی‌گیرد، همچنین از حیث ترکیبات شیمیایی نیز متنوع بوده و از منابع طبیعی مختلفی استخراج و ساخته می‌شود» (ذبحی، ۱۳۹۲: ج ۱ ص ۱۴۲).

همچنین برخی معتقدند: از ذات سکر و مستی حالاتی مانند طرب، شادی، عریده کشی، خشم و احساس زور و قدرت به شارب مسکر دست می‌دهد، ولی از ذات تخدیر عکس این حالات؛ یعنی احساس ضعف و سستی، سکوت و خواب و بیهوشی به فرد مصرف کننده مواد مخدر، دست می‌دهد. بنابراین صحیح است که هر مخدری را مسکر هم بدانیم. مثلاً می‌توانیم بگوییم که بنج و امثال آن، مسکر و مخدر هستند، اما صحیح نیست که بگوییم هر مسکری، مخدر هم می‌باشد، بنابراین جایز نیست که بگوییم خمر مسکر و مخدر است (هلالی، ۱۴۲۱: ص ۱۴۵).

در تعریفی دیگر عنوان شده: هر ماده اعم از طبیعی یا صنعتی (دارویی، شیمیایی) که سیستم اعصاب مرکزی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است و استعمال آن ایجاد وابستگی می‌کند (مرتضوی، ۱۳۸۸: ص ۷۶).

بین مواد مخدر و مسکرات وجوه اشتراک و افتراقی هست که عمده ترین اشتراک آن‌ها عبارتند از: ۱- هر دو در تخدیر عقل و پدید آوردن سستی در بدن مشترک هستند و در ضمن باعث به وجود آوردن افکار فاسد و پلیدی می‌گردند که منجر به ارتکاب برخی از جرایم و جنایات می‌شوند؛ ۲- استعمال هر کدام از این گونه مواد بر سیستم مرکزی اعصاب تأثیر می‌گذارد؛ ۳- استعمال مسکرات و مواد مخدر به میزان متفاوت در افراد با ویژگی‌های مختلف باعث فقدان شعور و آگاهی و گاهی موجب از بین رفتن قدرت تمیز و تشخیص می‌شوند؛ ۴- هر دو باعث ضرر و زیان‌هایی بر سلامت افراد می‌شوند و زیان‌های روانی، جسمی و اجتماعی فراوان دارند (طیار، ۱۴۱۸: ص ۸۹).

از امام صادق (ع) روایت شده است که: «هر نوع مسکری نوشیده شود بر آن حد واجب می‌شود همانطوری که در مورد خمر حد واجب شده است» (کلینی، 1407ق: ج 6 ص 395).

در اسلام و در مکتب تشیع، هیچ گناهی تا این اندازه نکوهیده نشده است. به طور کلی در مذهب امامیه، همه فقهای این مذهب بر حرمت استعمال مواد مخدر و روان گردان، اتفاق نظر دارند. بطوری که اختلاف فقهای امامیه در مورد مخدرات و دیگر مسکرات جامد مانند آن، فقط در حکم این مسکرات از حیث طهارت و نجاست منحصر می‌شود (باصری، 1389: ج 1 ص 29).

اگرچه در آیات قرآن اشاره‌ای به مجازات شرب خمر نشده ولی به وسیله سنت نبوی و سیره ائمه معصوم (ع)، میزان مجازات آن (حد) معلوم شده است و با توجه به مصادیق جدید آن بسیاری از موارد مسکرات که در زمان گذشته وجود نداشته، امروزه تولید و افراد زیادی از آن مصرف می‌کنند. حکم در باب حرمت شراب و مسکرات به دلیل زایل نمودن عقل و تفکر صحیح آدمی است که نقاط مشترکی در تمامی مسکرات و انواع آن و شبه مسکرات به حساب می‌آید؛ اگرچه انواع مسکرات علاوه بر زایل نمودن عقل، ضرر و زیان‌های مختلفی را از لحاظ جسمانی برای انسان به وجود می‌آورد. به هر حال سست شدن و از بین رفتن تفکر و پی آوردن گناهان پس از آن حکم اصلی بر حرمت انواع مسکرات است. به طوری که در ماده 264 قانون مجازات اسلامی بیان شده: مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حدّ است.

با توجه به تعاریف فوق می‌توان موادی مانند مخدرات و قرصهای روان گردان را در احکام مربوط به مسئولیت کیفری فرد داخل کرد و تأثیر این مواد در مسئولیت را به مشروبات الکلی الحاق کرد. البته در بین فقها در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد.

از جمله موافقان این الحاق می‌توان از شیخ طوسی و امام خمینی نام برد. شیخ طوسی می‌گوید: «کسی که به دلیل غیر معذور مجنون شود، مانند اینکه ادویه مینجه مصرف نماید و عقلش زایل شود، حکم مست را دارد». (شیخ طوسی، بی تا، 50/7).

امام خمینی: «هر مسکری چه جامد باشد و چه مایع، موضوعاً یا حکماً ملحق به خمر است» (خمینی، 1426ق: ج 2، ص 166). امام خمینی (ره) در رساله خود فتوا داده است که: «شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد، اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود، پاک است» (خمینی، 1426ق: ج 2، ص 145). از نظر ایشان مسکرات و مشروبات مست‌کننده بنابر احتیاط نجس است و خرید و فروش مسکرات حرام است و معامله آنها باطل است (همو: ص 144). همچنین، طبق نظر آیت‌الله خامنه‌ای: «مشروبات مست‌کننده بنابر احتیاط نجس است» (خامنه‌ای، 1394: ص 59).

مواد مخدر و روان گردان مثل مسکرات دارای احکام مشترکی هستند و هر دو بر اراده اشخاص تأثیر گذاشته به طوری که حتی برخی مواقع موجب سلب اراده شده و این خود باعث رفع مسئولیت کیفری است. در حالی که مجازات قانونی و کراهت شرعی استفاده از این مواد به نوبه خود باقی است.

2.5. افعال غیر ارادی یا ناشی از سهل انگاری

در این قسمت مباحثی همچون خواب، جهل به حکم و... مطرح خواهد شد.

2.5.1. خواب و بی‌هوشی

اگر بیهوشی بر اثر مستی حادث شده باشد می‌بایست صبر کرد تا فرد مست به هوش آید و سپس براساس قوانین فقهی حد را در خصوص او اجرا نمود و در صورتی که بی‌هوشی ناشی از چیز دیگری باشد نیز قوانین خاصی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم: «مست، زندانی می‌شود تا به هوش آید» (بیهقی، بی تا: ج 8 ص 318)، ولی ظاهراً در این زمینه، نص و فتوایی نداریم و هیچ وجهی برای تأخیر حدّ وجود ندارد، مگر بنابر قول فقهای اهل مدینه که می‌گویند: مست، تازیانه نمی‌خورد تا به هوش آید (همو: ص 318).

گفته‌اند فتوای عبدالله بن مسعود در مورد مست این است که او را به زندان می‌برند و روز بعد برای اجرای حدّ می‌آورند (صنعانی، 1403ق: ج 7 ص 370).

اگر کسی اتفاقاً مست شده باشد به این معنی که از تأثیری که مسکر بر روان او دارد ناآگاه بوده و اراده از او کاملاً سلب شده باشد برای جرایمی که در حال مستی مرتکب شده مسئول قلمداد نمی‌شود. ولی اگر عادتاً به شرب مسکر مبادرت کند یعنی به تجربه، تأثیر مسکر را بر روان خود دریافته باشد، درحالی که اختیار از کف داده است اتفاقاً مرتکب جرم شود بعید به نظر می‌رسد که بتوان از او سلب مسئولیت کرد. بنابراین در اجرای حدّ هم می‌بایست همه موارد فقهی و حقوقی رعایت گردد تا مبدا در اثر بیهوشی که ممکن است ناشی از چیز دیگری باشد حق کسی ضایع گردد و در اجرای حدود شرعی در باب مسکرات بایستی به احکام و اصول فقهی و حقوقی توجه نمود.

2.5.2. جهل به حکم

شرایطی که عیناً در قوانین جزایی فقه امامیه برای اعمال حدّ مسکر وارد شده است عبارتند از: بلوغ، عقل، اختیار، آگاهی. درخصوص آگاهی نسبت به حکم مسکر باید متذکر شویم که برابر ماده 155 قانون جدید مجازات اسلامی: «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود».

موضوع جهل یا همان عدم آگاهی باید طوری باشد که برای مجرم تحصیل علم مقدور نباشد، که تأکید قانون بر همین نوع جهل است. در قانون جدید در بحث مسکر به شرایط اجرای حد مسکر اشاره‌ای نشده است.

لذا این امر یعنی موضوع شرایط اجرای حد که در قانون عنوان شده، متّخذ از فقه است که فقهای هم‌چون صاحب شرائع (محقق حلی، 1408ق: ج4ص156) و صاحب‌جواهر (نجفی، 1367: ج41ص454) آن را بیان داشته‌اند. بنابراین در خصوص شخص مجبور یا مکره، نابالغ و جاهل به موضوع و حکم جاهل به حرمت مشروب، یا جاهل به مشروب و دیوانه حد جاری نمی‌شود. کما اینکه محقق حلی در شرائع و تشریحاً صاحب‌جواهر در همان مرجع این مطلب را تصریح کرده‌اند که نظرات آن‌ها گذشت.

لیکن در جهل موضوعی و حکمی باید صحت ادعای شارب خمر و تناول کننده مسکر محتمل باشد تا حد بر او جاری شود، بنابراین اگر احتمال صحت ادعای وی نرود، حد جاری خواهد شد. همانگونه که ماده 155 قانون مجازات اسلامی بر این امر دلالت دارد.

6- اثرات افعال بیرونی در اثبات مسئولیت شخص

در این مورد ماده ۱۵۲ قانون مجازات اشعار می‌دارد: «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریبالوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره- کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.»

6-1- فورس‌ماژور

آتش‌سوزی، سیل، طوفان و زلزله از جمله موارد فورس‌ماژور محسوب می‌شوند که هیچ کدام تحت اراده و اختیار انسان‌ها نیستند و حتی به هنگام بروز این موارد، اراده اشخاص در انجام فعل مورد نظر گرفته می‌شود. یعنی سدی که مانع فعلیت اراده اشخاص شده است.

برخی معتقدند: فورس‌ماژور معادل قوه قاهره یا قوه قهریه، اصطلاحی در حقوق فرانسه است که به ظاهر برای اولین بار در قانون مدنی فرانسه بکار رفته است. سپس در کشورهای دیگر- همین لفظ یا ترجمه آن- معمول شده و در حقوق بین الملل نیز به کار گرفته شده است. فورس‌ماژور، به معنی عام با اصطلاح «کار خدا که فقط شامل حوادث غیرعادی است که دارای علل طبیعی هستند و بدون دخالت بشر روی می‌دهند متفاوت است؛ در حالیکه فورس‌ماژور دارای معنی گسترده‌تری است و پاره‌ای حوادث ناشی از عمل انسان را نیز در بر می‌گیرد، فورس‌ماژور هم حوادث طبیعی و هم اعمالی مثل اعتصاب را که با دخالت انسان ایجاد می‌گردد، شامل می‌شود (صفایی، 1364: ص221).

در حقوق ایران اصطلاح قوه قاهره، یا فورس‌ماژور به کار نرفته است ولی کلمات و عبارات دیگری که همین مفهوم را می‌رساند در برخی مواد قانون مدنی آمده است، که مهم‌ترین آن‌ها مواد 227 و 229 قانون مدنی است. طبق ماده 227: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده که نمی‌توان مربوط به او نمود.» این «علت خارجی» همان قوه قاهره یا فورس‌ماژور است. یعنی اگر به واسطه این قبیل عوامل اجرای تعهد ممکن نشود، فرد متعهد محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد و در واقع بری از مسئولیت خواهد بود. اما اگر نتواند وقوع چنین عاملی را اثبات کند محکوم به تأدیه خسارت خواهد شد.

بر اساس ماده 229 نیز اگر متعهد نتواند تعهد خویش را به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست انجام دهد محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد. این عبارت مشابه عبارت ماده فوق بوده و اشاره به حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد می‌باشد می‌کند. این حادثه همان فورس‌ماژور است که سبب رفع مسئولیت از متعهد می‌گردد. همچنین ماده 378 نیز که اشاره به تلف مبیع پیش از تسلیم و بدون اهمال و تقصیر بایع داشته و در چنین صورتی بایع را ضامن ندانسته و عقد را منفسخ اعلام نموده اشاره به همین قوه قاهره در معاف نمودن فروشنده دارد.

یکی از حقوق دانان معتقد است: در مورد مصادیق این قبیل حوادث و علل خارجی در دو ماده فوق ذکر نشده است، ولی با مراجعه به دیگر مواد قانون مدنی، از جمله ماده 1312 بند 2 و ماده 4 قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی نوع این حوادث مشخص می‌شود. در مورد مصادیق این قبیل حوادث و علل خارجی در دو ماده فوق حوادثی طبیعی از قبیل حریق، سیل، زلزله، غرق کشتی و جنگ از مصادیق حوادث غیر منتظره و فورس‌ماژور شناخته شده‌اند. بدیهی است، وقایع فوق فقط جنبه تمثیلی داشته و حصری نیستند (کاتوزیان، 1376: ص791-722).

همچنین برخی دیگر فورس‌ماژور را در شرایطی می‌دانند، یعنی: هر گاه به سبب بروز حوادث عام، غیر قابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع، تعادل و توازن قراردادی به هم خورده و یا اهداف قرارداد تغییر نموده و در نتیجه اجرای قرارداد مشکل گردد، در صورت امکان، قرارداد توسط قاضی تعدیل و یا حسب مورد معلق یا منحل و یا فسخ می‌گردد (صادقی، 1373: ص22).

به طور کلی فورس‌ماژور همان واقعه غیر منتظره‌ای است که در صورت بروز آن، هر نوع قرارداد یا افعال اشخاص در انجام فعل یا موضوع مورد نظر عقیم شده و انجام آن تا رفع واقعه فورس‌ماژور امکان ندارد. در این موارد مسئولیت شخص دیگر مطرح نیست چون اراده او نتوانسته فعال شود و به نوعی در وقوع حادثه هیچ‌گونه تأثیری نداشته است.

6-2- دفاع از نفس یا دفاع مشروع

طبق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریبالوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود: الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد؛ ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد؛ پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد؛ ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

یکی از مسائلی که علل وقوع حوادث مجرمانه است، مسائلی از قبیل دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری است که اولاً باید طبق قانون جرم محسوب شود و گرنه از بحث ما خارج است. ثانیاً دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ثالثاً عقل این دفاع را قبول داشته باشد و توسل به قوای دولتی عملاً ممکن نباشد. رابعاً از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی برعهده دفاع‌کننده باشد. بنابراین موضوع مسئولیت در صورت تحقق چهارموردی که گفتیم امکان دارد. در غیر این موارد، مسئولیت شخص به قوت خود باقی است. چون باب توجیهی برای وی باقی نمانده است.

دفاع مشروع در شرع اسلام براساس مقررات کنونی یعنی کسانی هستند که بر حسب وظیفه قانونی یا شرعی در وضعیتی قرار گرفته‌اند که مستلزم فداکاری و تحمل خطرند؛ مانند کسی که بنا به وظیفه شرعی به جهاد رفته و یا فردی که بنا به وظیفه قانونی و ملی به جنگ با دشمن رفته است، وظیفه‌اش به طور طبیعی با خطر و تحمل آن ملازمه دارد؛ یا پلیسی که وظیفه حفظ امنیت را بر عهده دارد، اقدامات وی برای انجام وظیفه است و نمی‌تواند به استناد ضرورت و دفع خطر از خود، رفع تکلیف کرده و از انجام وظایف خود سرباز زند.

فقه‌های اهل سنت (ابن قدامه، 1407ق: ج 11 ص 80)، در خصوص اینکه -یا مضطر می‌تواند از شخص دیگری که همچون خود او در حالت اضطرار بسر می‌برد اخذ طعام کرده، نفس خود را بر نفس وی ترجیح دهد؟- اعتقاد منفی دارند یعنی؛ هر چند هر دو از حیث غلبه ضرورت مساوی‌اند؛ اما آن که مالک طعام است به واسطه مالکیت بر دیگری ترجیح دارد. بنابراین می‌تواند در مقام دفاع از خود و طعام خود برآید. در صورت اخذ طعام توسط دیگری و فوت مالک در اثر شدت جوع، آن که طعامش را تناول کرده و از مرگ نجات یافته، در قبال تلف نفس وی مسئول خواهد بود.

برخلاف عقیده آنها باید بگوییم مضطر، طعام غیر مضطر را حتی با توسل به قهر و جبر هم می‌تواند بگیرد و چنانچه در این راه کشته شود قتل او عدوانی خواهد بود. در صورت امتناع صاحب طعام، با وجود بذل ثمن و حتی زیاده بر آن، مشهور فقهای امامیه (نجفی، 1367: ج 36 ص 438؛ محقق داماد، 1406ق: ج 4 ص 147) مقاتله با وی را جایز دانسته‌اند.

در ماده 15 قانون مسئولیت مدنی بیان شده: «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود، مسئول خسارت نیست، مشروط بر این که خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد». ماده 330 قانون مدنی می‌گوید: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد... اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست» لذا هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم، به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می‌باشد اما طبق ماده 159 قانون مجازات اسلامی برای این که دفاع مشروع تحقق یابد لازم است که هم در تجاوز و حمله و هم در دفاع شرایطی جمع‌آید و الا دفاع مشروع نخواهد بود و آن شرایط عبارتند از: تجاوز و حمله نامشروع باشد؛ یعنی مهاجم نتواند برای مبرا ساختن خود از مسئولیت به یکی از علل موجهه استناد جوید. تجاوز باید فعلی و یا دست‌کم قریب الوقوع باشد، لذا انتقام‌جویی و یا پیشگیری را نباید با دفاع مشروع اشتباه گرفت. دفاع باید متناسب با تعرض باشد و از حد لازم برای دفع آن در نگذرد.

دفاع باید ضرورت داشته باشد البته این بدان معنا نیست که دفاع تنها وسیله‌رهایی از دست مهاجم باشد، بلکه اگر گریز و دفاع هر دو امکان‌پذیر باشند، شخص می‌تواند فرار اختیار نکرده و دفاع را برگزیند.

دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و یا آزادی تن دیگری هنگامی مشروع تلقی می‌شود که خود او نتواند از خود دفاع نماید، بلکه نیازمند کمک باشد و حتی در مواردی لازم است به استمداد نیز دست یازیده باشد (طاهری، 1392: ج 2 ص 364).

7- اثبات یا رفع مسئولیت ناشی از مقررات قانونی در مواد 158 و 159

مقرراتی که در قانون گاهی افعال مجرمانه را رافع مسئولیت می‌داند و گاهی افعال مجرمانه را تأیید و گاهی اثبات مسئولیت می‌نماید برابر مواد قانونی ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طبق ماده ۱۵۸، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد؛ ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد؛ پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد؛ ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد؛ ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط

بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد؛ ج- هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری أخذ رضایت ضروری نیست.

این ماده قانونی بیان‌گر آن است که مسئولیت کیفری در قالب مجوز قانونی باعث رفع تکلیف کیفری می‌شود، نه اینکه عمل مجرمانه را قانون در جامعه رواج دهد بلکه قانون براساس شرایط اشخاص یا گاه‌ها براساس ضروریات و مصلحت مجوز انجام برخی از موارد را در موارد خاص عنوان می‌کند. ماده 159 همان قانون، برعکس ماده قبل، بیان‌گر این است که آگاهی و علم نسبت به جرم بسیار تأثیرگذار است، زیرا قانون‌گذار علم را حتی اگر مافوق آن را تجویز کند رفع تکلیف نمی‌کند مگر اینکه علم نداشته و به اشتباه و به این گمان که امر مافوق قانونی است را اجرا کرده است. ماده ۱۵۹: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم میشوند لکن مأموری که امر آمر را بهعلت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.» لذا ابتدا باید ببینیم درصد تقصیر شخص در عدم رعایت مقررات در چه حدی است. اسباب ضمان از دیدگاه فقها شامل موارد اتلاف به شرح ذیل می‌شود:

1- اتلاف به صورت مستقیم (مباشر)

2- اتلافی که به وسیله خود شخص و بدون واسطه قرار دادن فاعل ارادی یا غیر ارادی انجام می‌شود. مانند خوردن، نوشیدن، پوشیدن و به طور کلی مصرف یا از بین بردن مال دیگری که به صورت خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و ... است.

3- اتلاف به صورت غیر مستقیم (تسبیب)؛ عبارت است از هر فعل یا عملی که سبب از بین رفتن مال شود ولی علت تامه تلف یا جزء اخیر از علت تامه تلف نباشد، بلکه به گونه‌ای باشد که اگر این فعل و کار از جانب او صادر نشود تلف و از بین هم در آنجا نباشد. مانند: کندن چاه در غیر ملک خود یا در ملک دیگری و مانند انداختن چیزهای لغزنده در راه‌ها ... در این هنگام هر شرطی سبب می‌باشد پس کندن چاه توسط شخصی گاهی سبب و گاهی شرط نامیده می‌شود.

4- اثبات دست تعدی‌کننده (مقصر). آنچه از وجودش وجود لازم نیاید- وگرنه آن علت تامه یا جزء اخیر علت تامه است- اما از عدم و نیستی آن چیز عدم و نیستی تلف لازم آید. به موجب این تعریف از تسبیب اگر شخصی چاهی را در مسیر رفت و آمد مردم بکند و چیزی در آن چاه بیفتد و از بین برود، او سبب تلف و از بین رفتن مال خواهد بود (بجنوردی، 1419ق: ج 1 ص 11-13).

محقق حلی در کتاب شرایع، در مورد اتلاف موجب ضمان، فرموده: «إذا إتفق المباشِر والسبب، ضمن المباشِر كالدافع مع الحافر...» اگر سبب و مباشر در تلف جمع شوند، مباشر در ضمانت مقدم است، در صورت ضعف مباشر، ضمانت با سبب است مثلاً اگر کسی چاهی را در ملک دیگری بنابر دشمنی بکند و شخص دیگری انسانی را در آن چاه بیفکند، ضمانت آنچه به سبب دفع و افکندن به وجود آمده است، بر عهده دافع (مباشر) می‌باشد (محقق حلی، 1408ق، ج 4 ص 240، فی تراحم الموجبات).

سخن مرحوم محقق در این مورد درست است؛ چون جنایت در اینجا عرفاً بلکه عقلاً مستند به دافع (مباشر) است نه به کننده چاه، ولی بحث مهم اینجاست که وقتی شخصی آمر نیست بلکه قانون دستور انجام فعل مسئولیت‌آور یا مجرمانه را می‌دهد موضوع با بحث سبب و مباشر فرق می‌کند. زیرا وقتی دستور قانونی هست یعنی موضوع مجرمانه فقط در همان مورد من باب مصلحت‌های مختلف از مجرمانه به غیرمجرمانه تبدیل شده و انجام قانونی آن اولویت دارد تا ترک آن. بنابراین قانون مجازات اسلامی، وصف کیفری را از این طور مسائل، رفع نموده و حکم عدم تقصیر را صادر کرده است.

نتایج:

1- عوامل موجهه جرم به شرایطی عینی اطلاق می‌شود که به عمل مجرمانه صورتی موجهه می‌دهند یا آن را مباح می‌سازند و در مقابل، عوامل رافع مسئولیت کیفری به شرایط شخصی و ذهنی در مرتکب گفته می‌شود که به رغم وقوع جرم، موجب رفع مسئولیت کیفری از فاعل آن می‌شوند.

2- برخی از افعال هستند که با اراده انسان محقق شده و در رفع مسئولیت بسیار اثربخش می‌باشند مانند خوردن مسکرات و غیره. طبق ماده ۱۵۴: مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

3- افعال ارادی شخص در زمان بروز مسئولیت، تأثیر دارد یعنی شخص ابتدا سالم بوده و با اراده خود مثلاً به سمت استفاده از مسکرات و مواد روان‌گردان رفته و بخاطر همین مصرف عمدی، مرتکب جرم شده است.

4- از مصادیق و علل موجهه جرم می‌توان به دفاع مشروع اشاره نمود: شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین علل موجهه جرم، دفاع مشروع است. برای اثبات و تحقق دفاع مشروع باید دفاع صورت پذیرفته با خطر پیش‌رو، تناسب و همخوانی داشته باشد.

5- اضطراب و ضرورت افراد را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که مجبور به انتخاب یک گزینه هستند. حال ممکن است این گزینه در شرایط عادی جرم محسوب شود یا آسیب‌ها و خساراتی را متوجه سایر افراد کند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم: مترجم: علی مشکینی. چاپخانه بزرگ قرآن کریم (اسوه). 1389. قم. چاپ اول.

* نهج البلاغه. گردآورنده: سیدرضی، مترجم: سیدعلی نقی فیض الاسلام.

منابع فارسی

1. آخوندی، محمد- آیین دادرسی کیفری- سازمان چاپ و انتشارات -1388- تهران، چاپ دوم.
2. اردبیلی، محمدعلی- حقوق جزای عمومی- نشر میزان- 1385- تهران.
3. باصری، علی اکبر- مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام- خرسندی-1389- چاپ سوم، تهران.
4. حاجی ده آبادی، احمد؛ شیدائیان ارانی، مهدی و رجبی، احمد- بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری از منظر بایسته‌های نظم ساختاری، جامعیت و سودمندی- فصلنامه علمی پژوهشی حقوق کیفری- 1392- دوره 12، شماره 46، ص 183-206.
5. حجتی، سید مهدی- قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی- باهمکاری مجتبی باری- میثاق عدالت- 1384- تهران.
6. حسینی، محمد و دیگران- بررسی تطبیقی تأثیر ازاله عقل به واسطه مواد سکرآور بر مسئولیت- مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی-1394- شماره 39، ص 33-44.
7. خاکی، محمد و مهرا، نسرين- ماهیت آثار قضایی موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس- مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی- 1400- سال سوم، شماره 22، ص 142-158.
8. خدادادی، ابوالقاسم و خالدی، علی- بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392- فصلنامه فقه جزای تطبیقی- 1400- دوره اول، شماره اول، ص 84-97.
9. خمینی، سیدروح الله- توضیح المسائل، تک جلدی- دفتر انتشارات اسلامی- 1426ق- چاپ اول، قم.
10. ذبحی، حسین- شرح و بررسی قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن (تک جلدی)- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه- 1392- تهران.
11. صادقی مقدم، محمد هادی- تأثیر اوضاع و احوال بر قراردادهای- رساله دکتری- دانشگاه تربیت مدرس- 1373- تهران.
12. صفایی، سید حسین- قوه قاهره یا فورس‌ماژور- مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران- 1364- شماره 3، ص 109-152.
13. طاهری، حبیب‌الله- مجموعه مقالات فقهی و حقوقی- دفتر انتشارات اسلامی- 1392- قم.
14. عباسی، عاطفه- متولی بار اثبات موانع تحقق مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران- دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی- 1397- سال نوزدهم، شماره دوم (پیاپی 48)، ص 495-520.
15. عظیمی، حبیب، اصغری، مسعود- «بررسی احکام شرعی مواد مسکر و روان گردان از دیدگاه فقهای اسلام»- 1392- شماره 34، ص 62-77.
16. علامه حلی، حسن بن یوسف، شرح تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، مترجم: محمدی خراسانی، علی- دو جلدی- دارالفکر- [بی‌تا]- قم.
17. غلامی، علی- مانع یا رافع بودن صغر، جنون و عوامل مشابه آن نسبت به مسئولیت کیفری- پژوهشنامه حقوق اسلامی- 1393- سال چهاردهم، شماره اول (پیاپی 37)، ص 53-77.
18. غیاثوند، سعید و جلالوند، انیس- آثار ایراد خلل به مؤلفه های اراده در حوزه موانع تحقق مسئولیت کیفری با تأکید بر جرم جنون- مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه- 1402- دوره 9، شماره 3، ص 660-679.
19. فتحی، حجت‌الله- شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (مصوب 1392)، بخش اول مواد 217 تا 241- موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی- 1393- چاپ اول، قم.
20. قانون مجازات اسلامی، مصوب 1392.
21. قانون مجازات عمومی- مصوب 1352.
22. قانون مسئولیت مدنی، مصوب 1339/02/07.
23. کاتوزیان، ناصر- قواعد عمومی قراردادهای (دو جلدی)- نشر انتشار- 1376- تهران.

24. کاتوزیان، ناصر- مسئولیت مدنی- دانشگاه تهران- 1375- تهران.
25. محقق داماد، سیدمصطفی- قواعد فقه (چهار جلدی)- مرکز نشر علوم اسلامی- 1406ق- چاپ دوازدهم، تهران.
26. مرتضوی، سعید- قاچاق مواد مخدر و روان گردان (سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین المللی)- انتشارات مجد - چاپ اول، 1388.
27. موسوی بجنوردی، سیدمحمد- قواعد فقهیه (دو جلدی)- مؤسسه عروج- 1401ق- چاپ سوم، تهران.
28. نبی پور، محمد- شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی- فصلنامه تعالی حقوق - 1389- شماره 1
یر، هاشمی شاهرودی، محمود- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) - شش جلدی- قم: مرکز پژوهش های الغدیر، مؤسسه دایره المعارف اسلامی- [بی تا].
- منابع عربی
30. ابن قدامه، ابومحمد عبدالله بن محمود - المغنی - دارالکتب العربی- 1407ق- بیروت.
31. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین- السنن الکبری (چهارده جلدی)- دارالفکر- [بی تا]. بیروت.
32. حر عاملی، محمد بن حسن- تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه- تحقیق: شیخ محمد راضی- داراحیاء التراث العربی- 1414ق. قم.
33. خامنه ای، سید علی- اجوبه الاستفتائات- نشر انقلاب اسلامی- 1394- تهران.
13. خمینی، روح الله - تحریرالوسیله - مؤسسه مطبوعات دارالعلم- 1366.
35. خوئی، سیدابوالقاسم - مبانی تکملة المنهاج - نجف، مکتب الأدب، 1412ق - چاپ اول، قم.
36. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد- المفردات فی غریب القرآن- دار العلم- 1412ق- دمشق.
37. شهید ثانی، زین الدین بن علی- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، مکتبه الداوری - 1410ق- قم.
38. شهید ثانی، زین الدین بن علی- مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (دو جلدی)- دارالهدی للطباعة و النشر- [بی تا]- قم.
39. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد 7، المکتبه المرتضویه، بی تا، تهران.
40. صنعانی، ابوبکر عبد الرزاق بن همام- مصنف- المحقق: حبیب الرحمن الأعظمی - ناشر: المجلس العلمی الهند- 1403ق- چاپ دوم، بیروت.
41. طیار، عبدالله بن محمد- المخدّرات فی الفقه الاسلامی- دار ابن الجوزی- 1418ق- چاپ دوم، ریاض.
42. علامه حلی، حسن بن یوسف- قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام- چاپ سنگی- منشورات الرضی- [بی تا]- قم.
43. قرافی، احمد بن ادريس- الفروق (انوار البروق فی انواء الفروق)- عالم الکتب- بی تا- بیروت.
44. کلینی، محمد بن یعقوب- اصول کافی (8 جلد)- دار الکتب الإسلامیة - 1407ق - چاپ چهارم، تهران.
45. محقق حلی، جعفر بن حسن- شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (چهار جلدی)- مؤسسه اسماعیلیان- 1408ق. قم.
46. مغنیه، محمد جواد- فقه الامام الصادق (علیه السلام)- مؤسسه انصاریان- 1421ق- چاپ دوم، قم.
47. موسوی بجنوردی، حسن- القواعد الفقهیه - هفت جلدی- با تحقیق: مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی- نشر الهادی- 1419ق- چاپ اول، قم.
48. نجفی، محمدحسن بن محمد باقر- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام- المکتبه الاسلامیه- 1367- تهران.
49. هلالی، سعدالدین مسعد- التّأصیل الشرعی للخمر و المخدّرات دراسة فقهیة مقارنة - منظمه الاسلامیه - 1421ق. کویت.